

مطبوعات و ۲۸ مرداد؛ یک پیوند ناتمام

مطبوعات ایران نقش مهم و منحصری در تاریخ معاصر کشور داشته‌اند. تعریف مطبوعات به عنوان «ویرایش نخست تاریخ» شرح دقیق و مفیدی است برای جایگاه جراید در تولید اثر تاریخی. چنین استدلالی انعکاس ویژه دارد در وقایع بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲.



مطبوعات ایران نقش مهم و منحصری در تاریخ معاصر کشور داشته‌اند. تعریف مطبوعات به عنوان «ویرایش نخست تاریخ» شرح دقیق و مفیدی است برای جایگاه جراید در تولید اثر تاریخی. چنین استدلالی انعکاس ویژه دارد در وقایع بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲.

سکوت دولت دکتر مصدق و بازگشت به قدرت محمدرضا پهلوی مصادف با پایان دوران طلایی مطبوعات کشور است. از بیست و نهم مرداد، تعداد کثیری از روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها و دیگر جراید سیاسی، اجتماعی و فکاهی مجبور شدند فعالیت خود را برای سال‌های طولانی یا برای همیشه تعطیل کنند. اختناق رژیم شاه ایجاب کرد که حتی نگهداری تعدادی از این نشریات تا پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ جرم سنگینی محسوب شود.

بررسی مطبوعات دوران بحران از شهریور ۱۳۲۰ تا بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ برای پژوهشگرانی که به دلیل سنی شاهد آن روزگار نبوده‌اند، به نوعی زنده کردن فضای سیاسی استثنایی آن سال‌هاست. تیرهای درشت و سرشار از هیجان، حملات مستمر جناح‌های سیاسی به همدیگر، لحن و انتخاب کلمات خاص برای تعریف و توضیح حوادث کلیدی آن زمان، مانند قیام مردمی سی‌ام تیر ۱۳۳۱، شورش ضد مصدق نهم اسفند ۱۳۳۱ یا هفته‌های داغ منتهی به بیست و هشتم مرداد، به روال عادی آن جراید تبدیل شده بودند. اما پرسش اصلی این است که تا چه اندازه می‌شود از مطبوعات آن زمان به عنوان راه بررسی و حل گره‌ها و معماهای بسیاری که روبه‌روی تاریخ‌نگاران قرار دارد، استفاده کرد؟ چگونه می‌شود از غرض‌ها، قضاوت‌های نادرست و تحلیل‌های زود هنگامی که در آن صفحات منتشر می‌شدند عبور کرد و اخبار صحیح و پرارزش را برای تحلیل تاریخی واقع‌بینانه جدا کرد؟

فضای مطبوعات در آستانه کودتای ۲۸ مرداد

تابستان ۱۳۳۲ نبرد قدرت بین دکتر محمد مصدق و همیارانش و اپوزیسیون - که شامل صف گسترده‌ای از بازیگران سیاسی آن روزگار بوده است - به مرحله داغ و پایانی خود رسید. شکاف‌های سیاسی که به جدایی چهره‌های طراز اول جبهه ملی، مانند آیت‌الله کاشانی و مظفر بقایی، از نخست‌وزیر در زمستان ۱۳۳۱ منجر شد در انتخابات جنجالی مجلس هفدهم ریشه داشت. بهمن ۱۳۳۰ تا فروردین ۱۳۳۱، دکتر مصدق تصمیم به نیم‌بند نگاه داشتن انتخابات گرفت و پس از اعلام نتایج حدود نیمی از کرسی‌ها، اعضای دولت معتقد بودند که زمینداران استان‌های مختلف که شهرت به اطاعت از دربار و مهره‌های سیاسی آن داشتند، به تقلب گسترده برای ایجاد یک اکثریت پارلمانی وابسته به محافظه‌کاران درباری اقدام کرده بودند. کوشش دکتر مصدق برای تقویت جایگاه خود و خنثی کردن شرایط بحرانی پارلمانی به بروز اختلافات شدید با شاه و نخستین شورش مردمی به حمایت از یک نخست‌وزیر در دوران مشروطه (قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱) منجر شد. خیزش عمومی حمایت از مصدق سبب شد مطبوعات با لحن بی‌سابقه‌ای با نخست‌وزیر انتخابی شاه طرف بشوند. روزنامه «آپادانا»، ارگان حزب ملت بر بنیاد پان‌ایرانیست که شامل طیف هوادار مصدق آن تشکل بود، تیر معروف «گلوله، گلوله، این است جواب ملت به قوام‌السلطنه!» را در شماره بیست و نهم تیر خود منتشر کرد. این درست زمانی است که «کشتیان بزرگ» هنوز در صدر دولت بود. هفته‌نامه شورش، که به همت کریمپور شیرازی منتشر می‌شد، شماره ویژه سی‌ام تیر خود را به خانواده‌های نخستین شهدای نبرد علیه رژیم پهلوی دوم اختصاص داد.

بحران سیاسی عمیق ایران از فروردین ۱۳۳۱ انعکاس وسیع در مطبوعات زمان داشته است. تقریباً تمام نیروهای سیاسی در آن فصل، امکانات لازم برای انتشار مرتب و دائم جراید خود را داشتند. حزب توده، که پس از سوءقصد به شاه در سال ۱۳۲۷ فعالیت خود را به صورت نیمه مخفی پیش می‌برد، به انتشار دو روزنامه نیمه رسمی اقدام کرد. «به سوی آینده»، به مدیریت محمود ژندی، روزنامه صبحگاهی بود که همراه با «شهباز»، ارگان «جمعیت ملی مبارزه با استعمار» عصرهای هر روز به همت رحیم نامور دیدگاه‌های حزب توده را منتشر می‌کردند.

تا زمان جدایی بقایی از نهضت ملی، روزنامه «شاهد» همراه با «باختر امروز» که تا بیست و هفتم مرداد پرچمدار طیف رادیکال جبهه ملی بود، بلندگوی اصلی جناح هوادار دولت بودند. در طرف مقابل، نمایندگان مخالف مصدق، مانند سید مهدی میر اشرفی یا شمس قنات‌آبادی که قبل از کاشانی و بقایی به صف مخالفان دولت پیوستند، تبلیغات تند خود را از صفحات «آتش» و «ملت ما» بیان می‌کردند. تنور این رقابت مطبوعاتی با استفاده از شمشیر طنز بسیار داغ‌تر شد. هم نشریات فکاهی مانند «نامه چلنگر» و «توفیق» و هم روزنامه‌های دیگر با کشیدن کاریکاتور و سرودن شعر طنز به رقبای خود حمله می‌کردند.

نخستین زرمه‌های تصمیم سرنوشت‌ساز دکتر مصدق، برگزاری رفراندوم در اوایل مرداد ۱۳۳۲ را می‌توان در هفته‌نامه «شورش» جست. این نشریه در شماره شانزدهم اسفند ۱۳۳۱ خود از آمادگی دولت برای برگزاری همه‌پرسی به عنوان ابزاری برای رفع مزاحمت‌های جناح درباری برای اصلاحات و اختیارات ویژه نخست‌وزیر سخن می‌گوید اما چنین طرحی فقط پس از برگزاری

مراسم سالگرد قیام سیام تیر کلید خورد. بی‌شک، گزارش‌های تجمعات هواداران دکتر مصدق، هم در نشریات حزبی مانند باختر امروز و «نیروی سوم»، ارگان سازمان سیاسی به رهبری خلیل ملکی و هم در روزنامه‌های کثیرالانتشاری مثل «کیهان» و «اطلاعات»، که در آن زمان وابستگی خود را به دربار ملایم‌تر کرده بودند، انعکاس زیادی داشتند، سخنرانی رادیویی دکتر مصدق در روز پنجم مرداد بازتاب گسترده پیدا کرد. مصدق در این سخنرانی تأکید کرد: «در کشورهای دموکراسی و مشروطه، هیچ قانونی بالاتر از اراده ملت نیست.»

اما حضور پر رنگ ملت در خیابان‌های تهران در پایان تیر ۱۳۳۲ تنها مورد بررسی رسانه‌های داخلی نبوده است. روزنامه مشهور New York Times که در آن زمان خبرنگاری مستقر در تهران داشت و با علاقه بسیار به تحولات ایران می‌پرداخت، در شماره بیست و دوم جولای خود به بزرگنمایی تظاهرات جداگانه هواداران حزب توده پرداخت و با تیتیر «100000 سرخ در تهران رژه رفتند»، این گردهمایی را «یکی از بزرگ‌ترین راهپیمایی‌های سیاسی در تاریخ ایران» نامید. تا پایان ماجرای بیست و هشتم مرداد، این روزنامه آمریکایی تأکید خود را بر اقتدار و نقش حزب توده در جبهه طرفداران مصدق باقی نگه داشت.

گزارش‌های روزانه 3 روز سرنوشت‌ساز

روز بیست و چهارم مرداد، «شورش» در آخرین شماره خود، نسبت به کودتای نظامی در شرف اجرا اعلام خطر کرد. گزارش کریمپور شیرازی بیشتر به بیان شایعه‌هایی که در سطح تهران در آن روزها پیچیده بود، پرداخت اما عصر همان روز، روزنامه «شهباز» اقدام به افشای جزئیات دقیق نخستین تلاش برای دستگیری دکتر مصدق و یارانش کرد. مستند به اطلاعاتی که سازمان افسران حزب توده در اختیار نشریه گذاشته بودند، شهباز می‌نویسد: «قرار بود دیشب با استفاده از مقررات حکومت نظامی، حمله واحدهای گارد به فرماندهی سرهنگ ممتاز و قسمت‌هایی از واحدهای دیگر ساعت یک پس از نیمه شب در تهران آغاز شود.»

چند ساعت بعد از انتشار این خبر، سرهنگ نصیری برای اجرای طرح نخست کودتا وارد منزل دکتر مصدق شد. اما از بیست و ششم مرداد به بعد، اطلاعات درباره هسته مرکزی کودتاچیان که در روزنامه‌های توده‌ای درج شد فاقد اصالت بود. بیست و هفتم و بیست و هشتم مرداد، «شجاعت» باز امکان کودتای دیگری را زیاد می‌دید، اما معتقد بود زاهدی و دیگر افسران بازنشسته به خوزستان کوچ کرده بودند، در حالتی که «آپادانا» قضاوت دقیق‌تری داشت و زاهدی را مهمان سفارت آمریکا نامید.

بامداد بیست و پنجم مرداد در حالتی سپری می‌شود که ملت بتدریج از روایات خیابانی از جریانات شب قبل آگاه می‌شود و روزنامه‌های عصر برای انتشار جزئیات حمله به ساختمان خیابان کاخ آماده می‌شوند. شهباز بیست و پنجم مرداد باز پیشرو اطلاع‌رسانی بود، با انتشار اولین خبر صدور فرمان عزل دکتر مصدق از سوی شاه و انتصاب سرلشکر زاهدی، باختر امروز تمرکز خود را به دستگیری چند ساعته سردبیرش، حسین فاطمی و دیگر یاران نخست‌وزیر، مانند مهندس حق‌شناس و احمد زیرک‌زاده اختصاص می‌دهد.

روزنامه شاهد، که هفته‌های قبل با حرارت ضدیت خود را به رفراندوم «غیر قانونی» دکتر مصدق ابراز کرده بود، مدعی شد نخست‌وزیر اقدام به یک «کودتای مسخره» را بهانه‌ای برای «تغییر رژیم» کرده است. دو روز بعد، زمانی که رهبران حزب زحمتکشان، مظفر بقایی و علی زهری در بازداشت بودند، شاهد حتی مصدق را به رهبر نازی آلمان تشبیه می‌کند، با تیتیر «هیتلر رایخشتاق [پارلمان آلمان] که در سال ۱۹۳۳ توسط یک فعال کمونیست هلندی به آتش کشیده شد، سوزاند، مصدق کودتا می‌سازد.»

گزارش‌های میدانی

جالب‌ترین و مهم‌ترین بخش مندرجات روزنامه‌هایی که در فاصله بیست و پنجم تا بیست و هشتم مرداد منتشر می‌شوند مربوط به فعالیت‌های خیابانی از لحظه پخش شدن خبر عقیم ماندن تلاش برای براندازی دولت ملی توسط نصیری و فرار شاه به بغداد و رم است. این گزارش‌های طولانی، که نشان‌دهنده مسیرهای حرکت راهپیمایی‌های احزاب اصلی، اعلامیه‌هایی که در پایان میتینگ‌ها قرائت و تصویب می‌شدند و جزئیات جالب و نادری از نفرت مردم در برابر نمادهای حکومت پهلوی هستند، ارزش بسیاری برای پژوهشگران دارند.

گزارش‌های شجاعت و شهباز درباره تنها راهپیمایی عظیم حزب توده، که بعدازظهر بیست و پنجم مرداد برگزار شد، حاکی از یک اجماع گسترده است که از کافه شهرداری (تئاتر شهر کنونی) به سوی میدان سپه (میدان امام خمینی امروزی) در حال حرکت است. گردهمایی کمونیست‌ها در این میدان اما به پایین آمدن مجسمه بزرگ رضا شاه که در میدان سپه مستقر بود، منجر نشد.

شماره روز بیست و هفتم مرداد روزنامه نیروی سوم، ارگان حزب خلیل ملکی، گزارش دقیق و ریز درباره تلاش‌های هواداران این دسته برای کرایه جرتقیل و استفاده آن برای عملیات چهار ساعته ویران کردن مجسمه رضاشاه را در صفحه اول خود دارد. این بررسی نشان می‌دهد که فعالیت خیابانی آن سه روز تاریخی محدود به یک جناح یا حزب خاصی نبوده، بلکه تقسیم بین تمام نیروهای ضد درباری بوده است.

دیگر موردی که با استفاده از مطالب روزنامه‌ها بسیار روشن‌تر می‌شود واکنش گروه‌های سیاسی متفاوت به خواست مردمی است که هر روز خیابان‌های تهران را پر کرده بودند است. بیست و هفتم مرداد، شجاعت و شهباز همزمان تمایل خود را به تشکیل یک نظام جمهوری اعلام کردند.

چنین برداشتی را می‌توان در شماره ویژه نشریه «مردم ایران»، ارگان نهضت خدایپرستان سوسیالیست، روز قبل از کودتا مشاهده کرد. حتی باختر امروز، که برخلاف تصور رایج، هرگز بیانیه یا اظهار نظر صریح شادروان حسین فاطمی را درباره برقراری جمهوری منتشر نکرد، در آخرین شماره خود، در عصر بیست و هفتم مرداد، از تمایل اعضای جوان جبهه ملی به نفع این تغییر اشاره می‌کند.

شجاعت در آخرین شماره خود، که صبح روز کودتا روی دکه‌ها قرار گرفت، فهرستی از خیابان‌هایی که مردم نام آنها را از شاهی به جمهوری تبدیل کردند، منتشر کرد، اما پاسخ دکتر مصدق به این درخواست فراجناحی منفی بود. در جلساتی که روز قبل از کودتا در منزل نخست‌وزیر صورت می‌گرفت، مصدق نگرانی خود را نسبت به این خطر که غرب «جمهوری ایرانی» را وابسته به شوروی تلقی کند، ابراز کرد و خواهان تشکیل شورای سلطنت شد.

نقش مطبوعات در رد یا اثبات دیگر منابع تاریخی

نقش مطبوعات در رد یا اثبات دیگر منابع حائز اهمیت است. یکی از مهم‌ترین سندهای غربی که در دسترس عموم قرار دارد، تاریخچه‌ای است که دونالد ویلبر از درون سازمان سیا نوشته و اشارات زیادی به مطبوعات آن دوره دارد.

به گفته ویلبر، اولین روزنامه‌ای که فرمان عزل مصدق را منتشر کرد، «شاهد» بود. صبح بیست و هفتم مرداد، ارگان حزب زحمتکشان - که در آن روزها بر غیرقانونی بودن عملیات مصدق تأکید مستمر داشت - متن فرمان شاه را در صفحه اول خود منتشر کرد. عکس خود فرمان در شاهد روز بعد و حتی پس از کودتا در بقیه روزنامه‌های مخالف دولت ملی منتشر شد.

گزارش ویلبر روایات زیادی دارد از فعالیت‌های گروه‌های موسوم به «توده‌ای‌های سیاه» یا دسته‌های جعلی هواداران حزب توده که توسط ماموران محلی سیا سازماندهی شدند و اقدام به تشنج در درون صف طرفداران مصدق می‌کرد. «آپادانا» آن سه روز بیشتر دو صفحه خود را به محکوم کردن حملات مکرر و سازماندهی شده «بلشویک‌ها» به دفتر و اعضای حزب ملت اختصاص داد، در حالی که هیچ اشاره‌ای یا تشویق به چنین حرکتی در روزنامه‌های توده‌ای دیده نمی‌شود.

برخلاف دیدگاه رایج برخی نویسندگان مقیم اروپا و آمریکا، که نظر بر نقش گسترده روحانیت در سازماندهی کودتای بیست و هشتم مرداد دارند، مطبوعات عکس آن را نشان می‌دهد. شماره بیست و هشتم مرداد روزنامه «ملت ما»، با این تیتر درشت عرضه شد: «حضرت آیت‌الله بروجردی! تهران در دست بولشویک‌هاست و مصدق دست مردم مسلمان را بسته است. باز هم ساکت نشسته‌اید؟» چنین جمله‌ای نشان می‌دهد که در صبح حمله اوباش و نظامی‌ها به دولت ملی، مخالفان نخست‌وزیر هنوز هیچ بیانیه، فتوا یا حکمی از مرجع عالیقدر شیعیان جهان برای تشویق قشر مؤمن به نبرد علیه نهضت ملی نداشتند.

پایان

بیست و نهم مرداد، روزنامه شاهد با خرسندی کامل پشتیبانی خود را از «قیام ملی بیست و هشتم مرداد» بیان می‌کند. چنین اصطلاحی توسط روزنامه دکتر بقایی «باب» شد و برای ۲۴ سال به تعریف رسمی اتفاقات آن روز سرنوشت‌ساز تبدیل می‌شود. مجله «تهران مصور» در شماره سی‌ام مرداد خود، به انتشار تعدادی عکس از اشغال خیابان‌ها و میدانی پایتخت توسط نظامی‌های کودتاجی اقدام می‌کند و موفق نمی‌شود که بیش از سی، چهل نفر در کادر هر تصویر قرار بدهد. چندی بعد، امیر کریمپور شیرازی، یکی از شجاع‌ترین مدافعان مطبوعاتی دکتر مصدق، در زندان شاهنشاهی عمر خود را در آتشی که نگهبانان روشن کردند از دست داد. آذر ۱۳۳۲، امتیاز ده‌ها نشریه آن دوران طلایی جراید کشور، مانند به‌سوی آینده، باختر امروز و نامه چلنگر، رسماً باطل و نام آنها به تاریخ مطبوعات ایران سپرده می‌شوند. اما با گذشت ۶۱ سال از آن روزهای استثنایی، ارزش و اهمیت بررسی دقیق روزنامه‌های آن زمان کمتر نشده و می‌توان از آنها به عنوان منبع مهمی برای بررسی‌های علمی آن پروسه تاریخی یاد کرد.

دکتر سیاوش رنجبر دائمی / استادیار تاریخ دانشگاه منچستر